

حوادث۱۹

تلنگر

اسید پاشی روی ماموران شهرداری

دو نفر از ماموران اجرائیات شهرداری اهواز هف اسیدپاشی مرد موتور سوار قرارگرفتند و مصدوم شدند.
رضا ارشادی، شهردار منطقه ۷ اهواز به فارس گفت: ساعت ۱۷ روز جمعه نیروهای اجرائیات منطقه ۷ اهواز در محل جاده ساحلی شرقی حفاصل پل سوم تا پل هفتم، در حال جمع‌آوری قلیان‌ها بودند که فردی با موتورسیکلت بدون شماره پلاک به سمت آنها اسیدپاشی کرد و متواری شد.
دو نیروی اجرائیات آسیب دیدند. یکی از آنها آسیب خیلی جزئی دید و دیگری که اسید به صورت و بدنش پاشیده شده بود در بیمارستان بستری شد.
پرونده‌ای در این باره تشکیل شده و تحقیقات دراین باره ادامه دارد.

نجات گروگان تفتی درهرمزگان

دو مرد که پس از ربودن فردی از شهر تفت او را به استان هرمزگان انتقال دادو در خانه‌ای نگهداری می‌کردند، بازداشت وگروگان آزاد شد.

عباسعلی بهدانی فرد، جانشین فرماندهی انتظامی استان هرمزگان به جام‌جم گفت: پرونده نیابتی در دستور کار پلیس قرار گرفت که نشان می‌داد، مردی در شهرستان تفت ربوده شده و آدم‌ریاها او را به استان هرمزگان منتقل کرده‌اند. تحقیقات پلیسی آغاز و خانه‌ای که گروگان در آنجا نگهداری می‌شد، شناسایی شد. ماموران محل فوق‌را زیر نظر گرفتند و با هماهنگی قضایی وارد این خانه شدند و دو متهم به آدم‌ربایی را بازداشت کردند وگروگان را نجات دادند. تحقیقات از متهمان در پلیس آگاهی ادامه دارد.

خودکشی تازه‌داماد باقرص برنج

تازه‌داماد جوان در پی اختلاف هایی که با نامزدش پیدا کرده بود، با خوردن قرص برنج به زندگی‌اش پایان داد.
به گزارش جام‌جم، ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه جمعه یکی از ماموران کلانتری رازی در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنبای تهران از مرگ مشکوک تازه‌داماد ۳۲ ساله‌ای در بیمارستان خبر داد.
با دستور قضایی تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از مرگ او آغاز شد. تحقیقات اولیه از مسوولان بیمارستان نشان داد که مرد جوان بر اثر مصرف قرص‌های برنج مسموم شده و از سوی خانواده‌اش به بیمارستان منتقل اما با توجه به تلاش پزشکان او فوت شده است.
با توجه به مشکوک بودن مرگ وی تحقیقات از خانواده‌اش آغاز شد.
دراین مرحله برادر این مرد به افسر تحقیق گفت: برادرم بتازگی نامزد کرده بود، اما به دلیل مشکلات پیش آمده برایشان نمی‌توانستند سر خانه و زندگی‌شان بروند همین باعث درگیری میان اوو نامزدش شده بود. برادرم آن روز با من تماس گرفت و گفت که قرص خورده و می‌خواهد به زندگی‌اش پایان دهد حاضر به ادامه این زندگی نیست. سراسیمه خودم را به او رساندم که بیهوش بود و بعد او را به بیمارستان منتقل کردم، اما به دلیل شدت مسمومیت با قرص برنج جان باخت.

بازداشت آدم‌ریاها در ۶دقیقه

دو مرد که به خاطر اختلاف حساب ۲۰۰ میلیون تومانی فرزند بدهکار را در قرچک ورامین ربوده بودند در عملیات ۶۰ دقیقه‌ای پلیس بازداشت شدند.
سردار عبدالرضا نظری، فرمانده انتظامی شرق استان تهران به جام‌جم گفت: چندی قبل ربوده شدن فردی در شهر قرچک به پلیس گزارش شد. تحقیقات اولیه پلیسی نشان می‌داد اختلاف حساب ۲۰۰ میلیون تومانی در یکی از شهرستان‌های استان ایلام طلب‌کاران را به دنبال فرد بدهکار به شهرستان قرچک کشانده و آنها فرزند او را با تهدید چاقو ربوده و با انداختن در خودرو پژو ۴۰۵ متواری شده‌اند.

وی افزود، در جریان جست‌وجوهای پلیسی ماموران رد خودروی آدم‌ریاها را به دست آوردند و به تعقیب آنها پرداختند و با اخطار به راننده خودرو خواستند توقف کند، اما سرنشینان خودرو توجهی نکردند و به سمت ماموران تیراندازی کردند. ماموران به تیراندازی متقابل پرداختند. در جریان این تعقیب و گریز متهمان خودرو را جا گذاشته و متواری شدند.
نظری ادامه داد: گروگان که در خودرو جامانده بود نجات یافت. در جریان تحقیقات بعدی یکی از آدم‌ریاهای فراری شناسایی و بازداشت شد. این در حالی بود که متهم دیگر پرونده که طراح ماجرا بود، با خودروی پژویی که پلاک آن مخدوش بود، در مقابل مرکز درمانی قرچک حاضر شد. او زمانی که متوجه حضور ماموران در محل شد، بدون توجه به شلوغی جاده حرکات مارپیچ و تخریب چند خودرو اقدام به فرار کرد که در تیراندازی پلیس متوقف شد. این دو متهم در عملیات ۶۰ دقیقه‌ای پلیس بازداشت شدند.



دو مصدوم دیگر این خودرو و سه نفرکه سرنشینان خودروی وانت نیسان بودند به بیمارستان منتقل شدند، اما دو سرنشین مصدوم پراید در بیمارستان فوت کردند و تعداد کشته‌شدگان این تصادف به شش نفر رسید.

محاکمه دختر جوان به اتهام اسیدپاشی مرگبار



دیروز به این پرونده به ریاست قاضی قربانزاده رسیدگی شد که ابتدای جلسه اولیای دو برای مینا و خواهرش اشد مجازات را خواستند.

آنها در شکایتشان گفتند: دخترمان بعد از اسیدپاشی روزهای سختی را گذراند. مری، معده و ریه‌اش در این ماجرا دچار سوختگی و آسیب شد. هر چه در توان داشتیم برای نجات جان او هزینه کردیم، اما در نهایت جان خود را از دست داد. برای مینا تقاضای قصاص داریم. رئیس دادگاه در ادامه با تفهیم اتهام قتل عمدی به مینا از او خواست دفاع کند که دختر جوان گفت: من با مردی به نام سینا دوست بودم و به او علاقه داشتم. سینا به من قول ازدواج داده بود، اما بعد از مدتی موضوع را فراموش کرد. روز حادثه همراه خواهرم به مقابل خانه خواهر سینا رفتم تا با او صحبت کنیم. فکر کردیم او زن است و من را بهتر درک می‌کند. وقتی ماجرا را برایش تعریف کردم، عصبانی شد و من را مقرر دانست. عصبانی شدم و فحاشی کردم که او به سمت ما حمله کرد و مایعی که برای تمیز کردن خانه خریده بودم روی او ریختم تا از خودم دفاع کنم. نمی‌دانستم داخل آن اسید است.

میترا هم با رد اتهام‌ش گفت: ما برای حل مشکل مینا و سینا به آنجا رفتم و نمی‌دانستم خواهرم همراهش اسید دارد. مقتول خواهرم را محکوم کرد. دعوای که بالا گرفت، مینا مایعی را روی او ریخت که نفهمیدم کجا مخفی کرده بود.

پس از دفاعیات متهمان و وکیل مدافعشان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

روستای محمودآباد از توابع شاهین دژ - تکاب رخ داد.

امدادگران اورژانس با حضور در آنجا مشاهده کردند چهار نفر از سرنشینان پراید به خاطر شدت صدمات فوت کرده‌اند.

۶کشته در تصادف نیسان و پراید

تصادف وانت نیسان با خودروی سواری پراید در محور شاهین دژ - تکاب منجر به مرگ شش نفر و مصدومیت سه فرد دیگر شد.

هیمن نباتی، مدیر مرکز اورژانس شاهین دژ از توابع آذربایجان غربی به ایرنا گفت: تصادف میان خودروی وانت نیسان با پراید در نزدیکی

دام سیاه ۲ مرد آزارگر برای دختر آرایشگر



دو پسر جوان که با ربودن دختر آرایشگر او را مورد آزار و اذیت شیطانی قرار داده بودند، شناسایی شدند. یکی از متهمان دستگیر و در تحقیقات مدعی شد برای انتقام این دختر را ربوده بودند.

به گزارش جام‌جم، یک هفته پیش دختر ۲۰ساله آرایشگری با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنبای تهران از دو مرد جوان به اتهام آدم‌ربایی و تجاوز و تهدید شکایت کرد.
با دستور بازپرس سهرابی، پرونده برای ادامه تحقیقات به اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران ارسال شد. در این مرحله شاکي ۲۰ ساله به افسر تحقیق گفت: من در آرایشگاهی کار می‌کنم و همراه خواهرم در خانه اجاره‌ای زندگی می‌کنیم. روز حادثه ساعت ۱۳ و ۴۰ دقیقه از آرایشگاه محل کارم بیرون آمدم تا به مطب پزشکی در یکی از محله‌های تهران بروم. پیاده به سمت مطب در حرکت بودم که راننده خودروی پژو ۴۰۵ که سرنشینی هم روی صندلی عقب آن نشسته بود در چند قدمی ام توقف کرد.

وی افزود: در همان موقع سرنشین صندلی عقب شیشه را پایین آورد و آدرسی از من پرسید. همین که داشتم آدرس را به او می‌گفتم مرد جوان در پای‌زکرو و مرا با تهدید چاقو به سمت صندلی عقب خودرو کشاند. هر چه چیخ زدم کسی به دادم نرسید. تلاش کردم از دست آن مرد رها شوم که نشد. با دستور او راننده به‌سرعت ادامه مسیر داد و مرا ربودند. بعد از طی مسافتی آنها مرا به سمت اتوبان آزادگان بردند.

شاکي ادامه داد: هر دو پیشان مرا مورد تجاوز قرار دادند و به التماس‌هایم توجهی نکرده و بعد تهدیدم کردند اگر ماجرا را برای خانواده‌ام و پلیس گزارش کنم، دوباره همین پلا را سرم می‌آورند. بعد مرا در محله‌ای خلوت از خودرو بیرون انداختند و فرار کردند.

وی گفت: بسختی توانستم به کمک راننده‌ای عبوری خود را به خانه‌ام برسانم. چند روزی از شدت ترس و وحشت از خانه

سناریوی خانوادگی برای يك جنایت

سناریوی خانوادگی برای مخفی کردن قتل پسر معتاد در جریان تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران فاش شد.
به گزارش جام‌جم، ساعت ۴ بامداد دیروز مرگ مشکوک پسر ۳۰ ساله‌ای که بر اثر اصابت چاقو به سینه‌اش به قتل رسیده بود به پلیس گزارش شد. ماموران با حضور در بیمارستان دریافتند که پسر جوان ساعتی قبل توسط خانواده‌اش به بیمارستان منتقل شده و بر اثر شدت خونریزی جان باخته بود.

خانواده پسر جوان در تحقیقات گفتند: سعید پس از مصرف زیاد شیشه با چاقو خون‌زنی کرد که او را به بیمارستان رساندیم. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با بررسی محل حادثه و

خودکشی پسر دانش‌آموز در مدرسه

پسر دانش‌آموز با نوشتن نامه‌ای برای خانواده‌اش، در زنگ تفریح خودکشی کرد.
به گزارش جام‌جم، ساعت ۹ صبح چهارشنبه ۲۳ آبان امسال بچه‌های یکی از مدارس تهران از کلاس درس بیرون آمدند تا برای زنگ تفریح به حیاط بروند که متوجه سقوط یکی از دانش‌آموزان از طبقه سوم ساختمان مدرسه شدند. صدای فریاد دانش‌آموزان بلند شد و معلمان سراسیمه خود را به حیاط رساندند. آنها مشاهده کردند یکی از دانش‌آموزان کلاس یازدهم مدرسه سقوط کرده است.
پسر دانش‌آموز توسط امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل شد، اما یک روز بعد در بیمارستان فیاض بخش تسلیم مرگ شد. مرگ او به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنبای تهران گزارش شد و با دستور قضایی تحقیقات از سوی ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغاز و معلوم شد پسر نوجوان در زنگ تفریح خودش را از طبقه سوم در ارتفاع ده متری به پایین پرت کرده است. ماموران از خانواده پسر دانش‌آموز تحقیق کردند که والدینش گشتند پسرشان قبل از این اقدام برای آنها دست‌نوشته‌ای گذاشته است. در بررسی از این دست‌نوشته معلوم شد که پسر دانش‌آموز در آن برگه نوشته بود، «من را حلال کنید. ببخشید کارها و رفتاری‌هایی که من انجام دادم، باعث پیر شدن و سفید شدن موهایتان شده است. به‌خاطر مشکلاتی که در این چند روز برای شما پیش آورده‌ام دست به این کار زده‌ام و دیگر نمی‌خواهم زنده بمانم. برای مراسم زیاد هزینه نکنید. در مراسم خاکسپاری‌ام کسی لباس سیاه به تن نکند و همگی لباس سفید بپوشید.»
در ادامه پسر دانش‌آموز از خانواده‌اش خواسته بود تا ۴۰ روز برایش لباس سفید به تن کنند. برایش گریه نکنند تا روح او در آرامش باشد. هر وسیله و لباسی که متعلق به اوست را به نیازمندان و خیریه بدهند و فقط سونی شرت جدیدی که برایش تازه خریده بودند و آن را دوست داشته نزد خودشان نگه دارند.
این در حالی بود که خانواده‌اش هنوز بدرستی نمی‌دانند، چرا پسر نوجوانشان با نوشتن این دست‌نوشته عجیب به زندگی‌اش پایان داده است.

بزرگ منتقل شدند.
فرهاد در تشریح جنایت گفت: ساعت ۸ شب جمعه با تماس تلفنی همسرم به خانه آمدم. برادر بزرگ‌ترم مواد زیادی مصرف کرده بود و به تمام اعضای خانواده ناسزا می‌گفت. او با پدر و مادرم نیز درگیر شده و حتی آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده بود. درگیری همچنان تا ساعت ۳ بامداد ادامه داشت تا این‌که با برداشتن یک چاقو از داخل آشپزخانه به سمت سعید رفتم و ضربه‌ای به سمت او پرتاب کردم که به سینه‌اش برخورد کرد و روی زمین افتاد.

سرهنگ کارآگاه علی ولبیور گودرزی، معاون مبارزه با جرایم جنبای پلیس آگاهی تهران در این باره گفت: با هماهنگی قضایی، پدر و برادر مقتول برای تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار داده شده و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

نجات ۳۳ کوهنورد گمشده در کولاک توجال



۳۳ نفر از کوهنوردان گرفتار در کولاک توجال در عملیات نفسگیر آتش‌نشنان کوهستان نجات یافتند. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران به جام‌جم گفت: ساعت ۱۶ و ۲۶ دقیقه جمعه کوهنوردانی در تماس با آتش‌نشانی خبر دادند در ارتفاعات توجال بین ایستگاه پنج و هفت با توجه به برف و کولاک شدید کم شده‌اند. بعد از این تماس بود که تیم نجات ویژه کوهستان آتش‌نشانی تهران امدارسانی را آغاز کردند.

وی افزود: آنها در شرایطی راهی محل شدند که با توجه به کولاک شدید دید بیشتر از دو متر امکان نداشت. امدادگران همچنان به تلاش خود ادامه دادند و بعد از چند ساعت ۲۴ مرد و سه زن که اعضای این گروه کوهنوردی بودند را نجات دادند. چند نفر از این کوهنوردان دچار ضعف بدنی و سرمازدگی شده بودند. ملکی ادامه داد: بعد از نجات این افراد، آتش‌نشنان متوجه شدند گروه دیگری از کوهنوردان به ارتفاعات رفته و بازنگشته‌اند و احتمال گرفتار شدن آنها در ارتفاعات توجال وجود دارد. بنابراین تلاش برای یافتن این گروه را هم آغاز کردند تا این‌که ساعت ۲۰ و ۱۵ دقیقه گروه دوم را در جان‌پناه یافتند. این گروه شش نفره را که سه مرد و سه زن بودند نجات دادند. دو نفر از خانم‌ها دچار سرمازدگی شده‌اند که تحت درمان قرار گرفتند.

خودکشی

خانواده مقتول

قصد داشتند

با صحنه سازی

قتل را خون‌زنی

نشان دهند

خودکشی

به خاطر بدقولی بانك

مرد جوان زمانی که موفق نشد طلب خود را از بانك دریافت کند، با خوردن قرص برنج به زندگی‌اش پایان داد.
به گزارش جام‌جم، ساعت ۸ و ۲۹ دقیقه روز شنبه یکی از ماموران کلانتری عوارضی در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنبای تهران از خودکشی مرد ۲۵ ساله‌ای با قرص برنج خبر داد. با دستور قضایی تحقیقات در این باره آغاز شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که مرد جوان در تماس با یکی از اقوامش از او می‌خواهد برای گفت‌وگو به مقابل خانه‌اش بیاید. وی نیز نزد او می‌رود که با رسیدن مقابل خانه، مرد جوان را که بیهوش در داخل پژو ۲۰۶ افتاده بود، می‌بیند. بعد وی را به بیمارستان منتقل کرده که فوت می‌کند. بررسی‌ها حاکی بود او به دلیل شدت مسمومیت با قرص برنج فوت کرده است.
تحقیقات بعدی پلیس نشان داد که مرد جوان اختلاف مالی با یکی از بانك‌ها داشته است. در این باره شکایت کرده و حکم به نفع مرد جوان صادر شده و طبق حکم قضایی، بانك باید طلبی را که وی داشته پرداخت می‌کرده، اما او هر بار که برای پیگیری طلب خود به بانك و مسوولان آنجا مراجعه می‌کرده، آنها از پرداخت پول خودداری می‌کردند. سرانجام مرد جوان زمانی که موفق نمی‌شود طلب خود را از بانك دریافت کند با خوردن قرص برنج به زندگی‌اش پایان داده بود.
با توجه به مرگ این جوان تحقیقات برای مشخص شدن دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.